

## کتابشناسی «محمود طرزی»

صدیق رهپو طرزی

شهر گت تینگن، جرمنی

Seddiqrahpoetarzi2000@yahoo.co.uk

به باور من برای شناخت شخصیت هایی که اثر پُر توان بر روند فرهنگی و سیاسی یک همبود اجتماعی از خویش بر جای گذارده اند، به ترین آیین تمام نمای اندیشه ها و باور های شان، اثر هایی خود شان می باشد. این امر در مورد «محمود طرزی» که بیش از چاردهه پرداختن به او قدغن و ممنوع بود، بیش تر از همه صدق می نماید.

از همین رو، بر آن شدم تا جایی که در لحظه های کنونی امکان وجود دارد، این اثر ها را رد یابی نمایم. این امر، در خط پدید آمدن اثر ها به روال زمان خلق این نوشته ها، صورت گرفته است.

### 1- گزینه شعر ها یا "کلام استادان"

آن گونه که روشن است، «محمود طرزی» در میان شاعران و نویسندگان که در محفل ها و گرد هم آبی هایی که در منزل «رحمدل» خان پدر کلان، پدرش و «مهردل» که در شعر «مشرقی» تخلص می نمود و کاکایش به حسب می رفت، برپا می گردید، بزرگ شد. او هم چنان از دریچه کتابخانه پُر بار و غنی پدرش، راه به سوی فرا گیری دانش آن زمانی باز نمود. او آرام آرام به گفته خودش، "چون درجه خوانائی حقیر بدرجه کلیات خوانی رسید" و آن هم به سال (1295/1298/1880) بود، به صورت طبیعی اولین شعر هایی را که با آن آشنا گردیده است، اثر های پدرش می باشد. او هنگامی که از کشور با پدر تبعید گردید و با خانواده در باغ «حسن جی»، واقع بندر «کراچی»، به سر می برد، این گزینه شعری را که از "کلام استادان می باشد" گرد هم آورد. او این کار با قلم خویش و با شیوه خط نستعلیق سر و سامان داد. پدرش پس از بررسی این مجموعه، در مورد آن و هم چنان تاریخ این گزینه شعری، چند بیت زیر را سروده است:

قلم چونکه برداشت، محمود طرزی

سخنهای مرغوب محمود بنوشت

بباغ حسنجی و ملک کراچی

بوقت خوش و سال مسعود بنوشت

ورقهای بد را از دور افکن

چه مجموعه خوب، محمود بنوشت

به حساب جمل، هرگاه از فرد آخری "ورق های بد" راببرون بکشیم، برابر به (1300) ه.ق. می گردد.

نسخه بی از این اثر نزد «عبدالوهاب» پسر بزرگش موجود بود.

این اثر دارای (505) ص. بوده و به اندازه ده در هفت سانتی می باشد.

سال آراستن و گرد آوری: (1261/1300/1882)

### 2- گزیده بی از شعر های «غلام محمد طرزی»

«محمود طرزی» این اثر را با انتخابی از میان شعرهای پدرش، ترتیب داد. او، کار تنظیم این اثر را در «بغداد»، آغاز و

در «دمشق واقع در شام یا سوریه»، در سال (1265/1304/1886) به پایان برد

او این اثر را پس از بازگشت به کشورش، برای «عبدالخالق طرزی» برادرش هدیه نمود. (1281/1320/1902)

«عبدالخالق طرزی» که در آغاز یکی از دبیران نشریه «سراج الاخبار» بود، و بعد کار مدیریت چاپخانه «عنایت» را پیش می برد، هنگام سفری به «غزنی»، آن را به شهزاده «عنایت الله»، معین السلطنه، در سال (1291/1331/1912) تقدیم نمود.

این مجموعه با خط نستعلیق زیبا نوشته شده و دارای (408) ص. بوده اندازه آن هشت در سیزده س.م. می باشد.

این اثر در کتابخانه «عامه» کابل، نگه داری می شده است.

سال آراستن و ترتیب: (1265/1304/1886).

### 3 - مجموعه اخلاق

ویژه گی ها:

مجموعه اخلاق

اثر

محمود بیگ

در شام جنت مشام ترتیب و تالیف گردیده است  
قسم اول  
در عصر باهرالنصر معارف عصر حضرت همایون شهریار  
معرفت کردار در ولایت پنجم همایون که عبارت از سوریه دمشق است تحریر یافت  
سنه 1305

از سوی موسسه «د چاپولو د موسسی (30) خپرونه  
کابل - دولتی مطبعه  
یادداشت: نشر دوباره این اثر بدون تاریخ است.  
چنین به نظر می رسد که این اثر در دهه شصت خورشیدی به دست نشر سپرده شده است.

«محمود طرزی» پس از آن که با پدرش از کشور تبعید گردیده و وارد «دمشق» مرکز «سوریه» یا به گفته خودش «ولایت پنجم»، مربوط به شاهنشاهی یا امپراتوری «عثمانی»، می گردد، پس از فراگیری زبان «ترکی» و آشنایی با فرهنگ نوین آن جا، سعی بر آن دارد تا گوشه پی از این اخلاق یا درست تر گفته شود، آداب معاشرت را ترتیب نماید. او با این کار، سعی بر آن داشته است تا هم میهنانش را با شگرد هایی از تهذیب اخلاق یا آراستن و پیراستن زنده گی با اخلاق جدید، آشنا ساخته و درب زنده گی مدنی و شیوه زیست در آن را، به روی ایشان، بگشاید. به گفته خودش به این منظور، دست به «تالیف کتاب اخلاقیه و حکمی» زد.

پیشگفتار یا مقدمه این اثر، با سپاس و حمد خدا به سبب این که، «زیور عقل را پیرایه وجود انسان ساخت تا بوسیلت آن در کسب اخلاق حمیده و اوصاف جمیله غایت بذل نماید» آغاز می گردد.

در آغاز فصل اول، زیر عنوان واژه اخطار می نویسد، «غرض از کسب علوم تهذیب اخلاق حسنه و ترک اعمال سیئه است.» او بعد به دسته بندی فضایل به چار بخش حکمت، شجاعت، عفت و عدالت دست می زند.

او علم و حکمت را یکی دانسته برای اثبات فضیلت علم، از دلیل های گونه گونه از آن میان آیات قران، تورات، زبور، حدیث ها، اثر های حکما، کلمات حضرت علی، به گفته خودش حکمای متقدمین مانند: ارسطالیس (ارسطو)، بطلموس (تالمی)، دیمقراطیس نمونه می آورد.

در مورد فضیلت دوم که شجاعت می باشد نیز با استناد بر گفته های خدا و پیامبر اسلام دلیل هایی را می آورد. همچنان در باره فضیلت سوم که عفت است سخن زده و یاد آور می شود، «آن احتراز باشد از ارتکاب محرمات.» او در این باره به این باور است که انسان در درون خویش میل ملکی و بهیمی (چارپایی) هر دو را دارد. به تر است تا جانب بهیمی کم تر توجه نماید.

او سپس به فضیلت چارم که عدالت است می پردازد. او به این باور است که آن را بایست همه خلائق به ویژه ملوک و سلاطین یا به زبان امروز فرمانروایان و زمامداران، مراعات نمایند. او عدالت را عبارت «از داد مظلومان» گرفتن می داند. او چنان می گوید، «...در خبر از سید المرسلین آمده است که عدل یک ساعت پادشاه بهتر از عبادت شصت سال است»

او فصل دوم به «تربیت و آداب» می پردازد. در این جا به مدح سلطان «عبدالحمید»، شاهنشاه عثمانی دست زده و بعد از «مقطعات منثور» سخن بمیان می آورد و به توضیح آداب گونه گونه تا «تربیه اولاد و اطفال» سخن می راند. در پایان اثر واژه گان «یکشنبه 18 ذی الحجه 1305 هـ.ق.» درج شده است.

این اثر به «خط» خود «محمود طرزی» در سال (1267/1305/1888)، با قلم پینسل نگاشته شده است.

«محمود طرزی» در بخش هایی سپید و در برخی موردها در کنار و حاشیه کتاب، منظره های طبیعت و برخی ساختمان ها و عمارت ها را رسم نموده است.

این اثر، را موسسه «چاپ کتاب» در «مطبعه دولتی کابل» بدون ذکر تاریخ، از روی نسخه خطی که نزد «صالح پرونتا» وجود داشته است، با پیشگفتار کوتاه و باز هم بدون ذکر نام، به اندازه سیزده و نیم در بیست نیم سانتی، در 48 ص. به دست نشر سپرده است.

سال نوشته: (1267/1305/1888).

#### 4- سیاحت نامه در سعادة (دروازه خوشبختی یا سعادت)

این اثر، «سیاحت نامه در سعادة»، یا «سیاحت نامه دروازه خوشبختی که مراد استامبول»، می باشد نام دارد. آن گاهی که «محمود طرزی»، برای تقدیم کتاب «اخلاق حمیده» نوشته پدرش، برای سلطان «عبدالحمید» دوم، خلیفه «عثمانی» به «استامبول»، مرکز امپراتوری و شاهنشاهی «عثمانی» سفر می نماید، (1267/1306/1888) خاطره های این سفر را می نویسد.

تا آن جایی که به نظر می آید، متن کامل این اثر، به چشم نخورده است. فصلی از آن در کتاب «از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی» زیر عنوان، «بک شبی در بوغاز. دلنواز گذرانده ام.» از ص. 83 تا 104 به دست نشر سپرده شده است. واژه بوغاز یک کلمه ترکی است که گلگاه، معنا دارد. منظور از این گلگاه، همان آبناهی «با سپوروس» می باشد که بحیره مرمره یا سپید را به بحیره سیاه، پیوند می دهد.

سال نوشته: (1267/1306/1888).

## 5- سیاحتنامه سه قطعه روی زمین در 29 روز آسیا- اروپا- آفریقا

ویژه گی ها :

کتابخانه

مطبع عنایت

سیاحتنامه سه قطعه روی زمین

در 29 روز

آسیا- اروپا- آفریقا

شماره (9)

حرکت از شام

مؤلف و سیاح آن

محمود طرزی

تاریخ تالیف و سیاحت

1308

در دارالسلطنة محروسه کابل

فی 1328 از مسوده بشکل کتاب در قید تحریر آمده

و در سنه 1333 در مطبعه مبارکه عنایت بزبور طبع آراسته گردیده است

در بخشی از نوشته «عنایت الله»، معین السلطنه، که در جای یادداشت ناشر آمده است، چنین می خوانیم، " عزیز بنیان «محمود طرزی»، در این سیاحتنامه خود یک اسلوب تحریر بسیار بدیع بکار برده است که علم، فن، ادبیات، سیاسیات را بیکطرز ناول آسانی در سیاحت درج و مزج نموده است."

او در مورد بیان بسیار صادقانه این اثر می نگارد، "چون سیاح مشارالیه وقوعات یومیة واقعی و طبیعی خود را بدون کم وکاست در قید تحریر آورده است ... و از این سبب است که بدون حک و اصلاح هر آنچه نوشته و در قید تحریر آورده را، عیناً بطبع آن اجازه عطا کردیم."

آن گونه که ذکر شد است این سیاحتنامه دارای سه جلد بوده است که جلد اول آن در بر گیرنده آغاز سفر، جلد دوم رسیدن به استامبول و بخش سوم بازگشت دوباره به «دمشق» را در بر درارد.

در بخش دلیل چاپ این اثر آمده است، «مقصد یگانه ما از طبع و نشر اینگونه آثار طرز جدید، دیگر هیچ چیزی نیست مگر اینکه ابنای وطن عزیز خود را بمطالعه آثار جدید طرز تحریر ادبیات عصر حاضر که با طرز تحریر اصول سابق خیلی مابین افتاده است عادت آموختگی بخشیم زیرا عصر عصر تجدد و ترقیست. چنانچه در هر چیزی یک نوی و تازگی را درینوقتها طبایع آرزو میکند ودر اصول انشا و کتابت نیز این آرزو طبیعی شمرده میشود. قلم خوش تقریر تجدد تحریر محرر شهیر وطن عزیز ما «محمود طرزی»، حقیقتاً یک اسلوب نو، و اصول تازه در انشا و کتابت بروی کار آورده است."

«محمود طرزی»، در پیشگفتاری زیر عنوان "عرض مقصد" بیان نموده است که ممکن خوانندگان از این کتاب دچار شگفتی گردند زیرا چگونه امکان دارد "...که آقای سیاح ما این چنین سه قطعه جسیمه را آیا در 29 روز چسان دور و سیاحت کرده باشد؟! "

بعد او دلیل این سیاحت را همراهی با پدرش که راهی حج بود، بیان می نماید. او درمورد چگونگی نوشتن این اثر یاد آور می شود، "نسخه این سیاحتنامه در یکی از کتابچه های جیبی در همان سفر با قلم پینسل روز بروز نوشته شده بود."

سپس خاطر نشان می کند که این اثر را به وسیله یک میرزای خوشخط از "صحایف فرسوده فرسوده کتابچه های جیبی " پاکنویس نموده و آن را برای شهزاده «عنایت الله» تقدیم نموده است.

او در بخش دیگر چنین آورده است، "دراین سیاحتنامه عاجزانه بعضی سخنان عاشقانه و بحثهای اجسام لطیفه نیز بصورت طبیعی که در اثنای سیاحت پیش آمده مسطور است." او در این راستا از شیخ «سعدی» نمونه می آورد می گوید "آن ذات مبارک نیز ادوار حیات شان را از نشیب و فراز احوال روحیه طبیعیه خالی نمانده !!!"

او درمورد فایده سیاحت یادآور می شود که حیات به دو چیز "افزونی" می یابد. یکی مطالعه تاریخ و دیگری سیاحت. او در جای دیگری بیان می دارد، "تنها از شام و استانبول - غیر از این بار که یومیه وقوعات را در قید تحریر آورده ام هفت بار سفر کرده ام که در یکی از این سفر ها تا به «پاریس» هم رفته اوروپا را سیاحت نموده ام. ولی افسوس که تنها به نوشتن همینیک سیاحتنامه خود کامیاب آمده و دیگر سیاحات عاجزانه بطرزمکمل و مدون نوشته نشده بلکه بعضی پارچه های از سیاحت (1306) هجری خود هم نوشته ام که بعضی فقرات آن در کتاب «از هر دهن سخنس واز هر چمن سمنی» مندرج است. الحاصل این است که من دیدم و گردیدم، و دیدنیها ی نو را بنظر مطالعه اخوان خود عرض و تقدیم نمودم."

او در بخش "مقصد اصل از ین سیاحت چیست؟" بیان میدارد که پدرم در اینبار ادای حج، برآن شدند تا "اجازه عواطف مهمام پروری شاهانه را ... (که) به خادمی آن خود را مفتخر میدانند واصل شوند. دگر هیچ مدعا و مقصد نیست. این بنده شان تا به اسکندریه بمعیت شان همراهی دارم. بعد از آن برای سر پرستی و اداره امورر بیته و ماهانه رساندن وجه برای شان پس بشام می آیم."

این سفر درست ساعت شش روز دوشنبه 19 شوال 1308 ه.ق. از «شام» آغاز می گردد، و روز سه شنبه 18 ذی‌قعدة 1308 ه. ق با رسیدن دوباره به «شام» به گفته خودش، "سیاحت سی روزه کامله خود را انجام رسانیدم" پایان می یابد. در این سفر نامه می توان باز تاب دید گاه ها، اندیشه ها و باور های هر دو مسافر یعنی پدر و پسر را دید. هم چنان در آن آگاهی های زیادی از وضع تاریخی و جغرافیایی جای هایی که از آن ها گذشته اند دید. بخش پُر اهمیت دیگر، شیوه نگارش و زبان پارسی است که «محمود طرزی» در این اثر به کار می برد.

به بار من برای درک زنده گی نامه پدر و پسر، این اثر چشمه بزرگ و پُرآب آگاهی ها می باشد. ضرورت است :

(1) این اثر بار دیگر چاپ گردد.

(2) چاپ نقادانه آن صورت بگیرد.

(3) برای کاوش و بررسی آن کار همه جانبه انجام شود.

سال نوشته : (1269/1308/1890).

## 6- دیباچه دیوان «غلام محمد طرزی»

آن گاهی که سردار «محمد انور» پسر سردار «محمد سرور» برادرزاده «غلام محمد طرزی» بر آن می شود تا «به سعی بلیغ و رای بی دریغ» به «طبع» و نشر شعرهای کاکایش با عنوان «کلیات دیوان فارسی طرزی قندهاری» همت بگمارد، «محمود طرزی» و «زمان طرزی» انجام این کار را به دوش می گیرند.

«زمان طرزی» شعرها را با خط خودش با شیوه و یا «قلم» نستعلیق می نویسد. سپس در بندر «کراچی»، با توافق «فیض محمد» خان که «افغان بارکزیایی» تخلص می نمود و مالک مطبع «فیض محمدی» است، به دست نشر سپرده شود.

«محمود طرزی» به اثر هدایت پدر، پیشگفتار، دیباچه و یا مقدمه بی بر دیوان شعرها، می نویسد. این مقدمه، به نوشته آن چی در «کلیات» درج است، "بدست خط محمد زمان 19 ذی‌قعدة 1309،" که برابر به جون 1892، می گردد به آن اضافه شده است. بعد کار چاپ این «کلیات»، "فی سنه (1271/1311/1892)" پایان می یابد. دیباچه یاد شده و یا به گفته «محمود طرزی» که آن را "ترجمه احوال" پدرش می خواند، از صفحه 9 تا 25 را در بر می گیرد.

یادآوری:

این اثر، باردیگر «به کوشش و اهتمام دکتور ننگیالی طرزی» پسر «صدیق طرزی» و نواسه «زمان طرزی» زیر عنوان «کلیات دیوان طرزی» از سوی موسسه فرهنگی - هنری «نقش سیمرخ» در سال (1381/2002)، در «تهران»، مرکز «ایران» نشر شده است.

سال نوشته : (1270/1309/1891)

## 7- از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی

ویژه گی ها :

کتابخانه

عنایت

عدد (3)

از هر دهن سخنی

و از هر چمن سمنی

مولفش

محمود طرزی

دار السلطنه کابل در مطبعة عنایت بزبور طبع آراسته گردیده است

سنه 1330

در بخش "یکدو سخن در باب کتاب"، «عنایت الله»، معین السلطنه، چنین یاد آوری می نما ید، "سابق بر بین ناول فنی (داستان های بلند به شیوه خیالی - علمی. ط.) که عزیزی بنیان محمود بیگ طرزی از ترکی ترجمه کرده بود طبع ونشر نمودیم."

آن گونه که خود «محمود طرزی» به این امر روشنی می اندازد، این مجموعه، بخش اول کتاب «دبستان معارف» که در سال (1270/1309/1891) هنگامی که در «شام» و یا «سوریه» به سر می برده است، ترتیب و تالیف نموده است.

او در جای دیگری می نویسد، "...ولی چنان گمان نشود که سراسر از خط (درست آن خد می باشد که رخسار، روی و یا کومه معنا دارد.ط.) و خال و می ومحیوب بحث خواهد راند. نی ! بلکه اکثر از آثار ادبیه جدید تشکیل یافته است."

این اثر دارای سی و هشت مقاله و نوشته جداگانه در زمینه بحث های ادبی و سیاسی می باشد.

این کتاب که دارای (270) صفحه می باشد، در اندازه سیزده سانتی متر، به چاپ رسیده است.

سال نشر : (1292/1332/1913).

## 8- روضه حکم

ویژه گی ها :

کتابخانه

مطبع عنایت

عدد (5)

روضه حکم

مولفش

محمود طرزی

در دارالسلطنه کابل در مطبعه عنایت بزور طبع آراسته گردیده است

سنه 1331

«عنایت الله»، معین السلطنه، هنگام چاپ این اثر، درمورد چنین نوشته است، " دومین کتاب «دبستان معارف» است که عزیزی بنیان محمود طرزی آن را در سنه (1270/1308/1891)، در دمشق یا شام جمع و تالیف نمود." این اثر، نیز مانند بخش اول، مقاله های گونه گونه که به گفته خودش "مقصد و موضع آن منحصر بر يك علم و فن، نی بلکه از هرگونه کلام خوب و هر نوع سخنان مرغوب اخلاقی، ادبی، علمی، فنی، سیاحت، حکایات و غیره ناطق و باحث بوده که این قسم آثار را «رساله موقوته» مینامند.... اینست که این کتاب آن قسم اخلاق حکیمانه آنرا در بر گرفته و بعنوان «روضه حکم»، بنظر قارئین گرام جلوه گر شده است." در بر دارد. در این اثر، 28 مقاله درج گردیده است. این اثر، دارای (159) ص. و اندازه 19 س.م.می باشد. سال نوشته : (1270/1308/1891). سال چاپ : سال (1292/1332/1913).

## 9- تلخیص حقوق بین الدول

بگفته «محمود طرزی»، این اثر را از روی نوشته «حسن فهمی» در سال (1276/1315/1897)، ترجمه نمود. او بعد این اثر را برای مطالع امیر «عبدالرحمان» به وسیله داگ به «کابل» فرستاده است. این اثر، به چاپ نرسیده و نسخه خطیش نیز وجود ندارد. سال ترجمه : (1276/1315/1897).

## 10- سفر بعد از وفات پدر

این همان اثری است که در سال (1279/1318/1900) سروده شده است. در آن بخشی از خاطره هایش از «استامبول»، پس از مرگ پدر، وجود داشته است. این اثر دارای پنجصد بیت بوده است. او سه نسخه از این اثر را به قلم و خط خودش نوشت. بعد، دوتای آن را به وزیران داخله و معارف امپراتوری عثمانی هدیه داد. آنان اجازه نامه نشر این کتاب را نیز دادند، اما او موفق نشد تا آن را در «استامبول»، به دست نشر بسپارد. نسخه سومش را هنگام بازگشت به کشور، برای «محبوب عالم»، محرر نشریه «پیسه» در «لاهور»، برای نشر سپرد. بعد، چند بار تلاش نمود تا آن را به دست آورد. آن گاهی که از دریافتش نا امید شد، چنانچه خودش می گوید، "... دیگر نسخه از آن باقی نماند. از مقدمه سیاحت نامه مذکور اینچند فرد آتی را بخاطر مانده بود ثبت دفتر یادگار نمودم." سپس چند بیت از آن را در «پراگنده»، می آورد او در پایان شعر، جای و تاریخ را چنین ذکر می کند، "در استانبول 1318". سال سرایش : (1279/1318/1900)

## 11- مطالعات صحیحه

این اثر را، داکتر «اکریستیدی» به زبان یونانی نوشته است. بعد، «بافره لی بانکوست» آن را از یونانی به ترکی ترجمه نموده است. سپس «محمود طرزی» آن را به فارسی برگردانده است. او، این کتاب، را به اثر تشویق «محبوب عالم» مدیر نشریه «پیسه» به فارسی گزارش نموده است. او، این اثر را در سال (1900) چند هفته پیش از فوت پدر، به فارسی بر گردانده است. بعد از بازگشت «محمود طرزی» به «کابل»، این اثر، به وسیله خوشنویسی، خطاطی شده است. نسخه خطی اش در کتابخانه «صالح پرونتا» موجود بوده است. سال نوشته: (1279/1318/1900)

## 12- افغانستان (جغرافیای مختصر ممالک افغانستان)

ویژه گی ها :

کتابخانه

مطبع عنایت

افغانستان  
اثر منظوم  
محمود طرزی  
در مطبعه عنایت بزیور طبع آراسته گردیده است  
دارالسلطنه کابل  
سنه 1330

این اثر به نظم سروده شده است. در آغاز چنین آمده است:

**"در وسط آسیاست یکی خاک چون بهشت  
در شرق هرکه دید ورا غرب را بهشت"**

این اولین اثری است که از سوی چاپخانه «عنایت»، به گفته «محمود طرزی»، «براینمونه در آغاز بنیاد مطبعه مبارکه عنایت، بحجم کوچک بقدر سه صد نسخه طبع گردید.»  
این اثر، با عنوان "المقدمه" چنین آغاز می گردد:

**"آن شهسوار حسن که نامش تمدن است،  
او را بخاک قطعه «اوروپ» توطن است"**

در این کتاب از گذشته درخشان «آسیا» سخن می زند و به باور او به اثر **بیباکی و بدی**، رو به زوال نهاد و تخت تمدن به «غرب» نهاده شد و به این گونه "انوار شمس حسن ز مغرب طلوع کرد." بعد در مورد «افغانستان» سخن رانده و آن را **بهشت** می شمارد.  
این اثر دارای 34 ص. بوده و اندازه اش 13 س.م. می اشد.  
این اثر را «محمود طرزی»، در سال (1283/1323/1905) سروده و در سال (1290/1330/1911) از سوی چاپخانه یاد شده، نشر شده است.  
بعد، از سوی «معین السلطنه»، به صورت "هدیه گویا بر مردمان هوسکاران عرفان رایگان توزیع و تقسیم شد" او در پایان می نویسد، "نسخه از آن باقی نمانده."  
این اثر دارای 34 ص. بوده و دارای اندازه 13 س.م. می باشد.  
سال سرایش: (1283/1323/1905)  
سال نشر: (1290/1330/1911)

### 13- سوانح زنده گی

این اثر، در برگیرنده چند ورق هست که در جنوری 1908 در «کابل» به اثر خواهش یکی از دوستان ترکیش نگاشته شده است. چنین گمان می رود که او این «خود زنده گینامه» را برای نشر در «ترکیه» نگاشته باشد. ترجمه فارسی این اثر را «عبدالوهاب طرزی» پسرش در سال (1355/1976)، نموده بود.  
سال نوشته (1286/1326/1908)

### 14- رساله اغذیه و طبخ

این اثر را «محمود طرزی» از ترکی به فارسی بر گردانده و آن را برای مطالعه امیر «حبیب الله» تقدیم کرده است. نسخه خطی این اثر نزد «عبدالوهاب طرزی» پسرش بوده است.  
سال ترجمه: (1288/1328/1910).

### 15- سراج الاخبار افغانیه

ویژه گی ها:

صفحه اول سال اول چنین ویژه گی ها را داراست:

س.ا.

1329

سال یکم نمبر (1)

نگران

ایشک آقاسی ملکی

حضور اعلیحضرت همایونی

علی احمد

مدیر و سر محرر

محمود طرزی

اداره خانه دارالسلطنه کابل

در ماشین خانه دارالسلطنه کابل

همه امور تحریریه به اداره خانه بنام مدیر  
فرستاده شود.

در بخش چپ صفحه «قیمت سالانه» ذکر شده است  
تاریخ عربی: 15 شوال 1329 تاریخ شمسی 16 میزان 1290  
جالب است که تاریخ عیسایی در آن درج نشده است. بعد ها به س.ا. اضافه می گردد  
در این اخبار از حوادث داخلی و خارجی و بسی مقالات مفید درج میشود

### افتتاح کلام

زیر همین عنوان او یاد آور می شود، «اخبارها» درین عصر حاضر بمثابه زبان ملکها و ملتها قابم گردیده است. در وقت  
حاضر بجز اقوام وحشیه و بدویه هیچ یک دولت قوی از هیئتهای اجتماعی موجود نیست که مالک اخبار نباشد.  
زیر عنوان **حوادث داخلی** از ماه رمضان سخن به میان می آورد. در مورد **حوادث خارجی** از آتش سوزی بزرگ در  
«استامبول» خبر می دهد.

بعد زیر عنوان های **ادبیات، ناول، و اشتهار** برای نشر اعلان ها نوشته هایی درج شده است .  
در پایان و آخرین ستون واژه گان زیر آمده اند :

مدیر و سر محرر س.ا.

در برابر این کلمه ها امضایش گذاشته شده است.

در بخش آخر می خوانیم :

"مطبعه دارالسلطنه کابل بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق بقلم میرزا محمد جعفر قندهاری."

در شماره چارم بعد از نام عبدالخالق واژه گان "پسر طرزی" اضافه شده است.

این نشریه، هر دو هفته یکبار، نشر می شده است.

سال اول نشراتی، تا شماره بیست و چارم، یعنی 21 سنبله 1291 ه.ش. برابر به 13 سپتمبر 1912 ع. را در بر می گیرد.  
در نشر و چاپ این دو هفته نامه، از شماره های مسلسل و یا پی در پی، استفاده نشده است. هر سال، شماره های خود را دارا  
می باشد.

سال هشتم که سال آخر می باشد، تا شماره ششم که آخرین شماره به حساب می آید و تاریخ 15 ربیع الاول 1337 ه.ق  
برابر با 27 قوس 1297 ه.خ برابر به 19 دسمبر 1918 ع. را در بر دارد، به دست نشر سپرده شده است.

پس از این، «محمود طرزی» به اثر **فشار** از نشر نشریه خود داری می کند.

تا جایی که به نظر می رسد، در این نشریه، بیش از پنجصد نوشته «محمود طرزی» به دست نشر سپرده شده اند.

آخرین شماره: 19 دسمبر 1918 ع.

## 16- علم و اسلامیت

ویژه گی ها :

هدیه س.ا.

کتاب اول

علم و اسلامیت

اثر

محمود طرزی

1330

در دیباچه این اثر چنین خاطر نشان می گردد، "مردم نصارا" در مورد گسترش دین جمعیت های بزرگی را سامان داده  
اند که بزرگترین این جمعیت ها «ژوزه ویت» ها می باشند.

«محمود طرزی»، زیر عنوان **علم و اسلامیت** یاد آور می شود، "بزرگترین عبادات و شرفدار ترین طاعتیکه بر  
مسلمانان فرض و واجب گردیده همانا سعی و کوشش کردن در راه تحصیل علم است." او در این راه از حدیث های گونه  
گونه ذکر می نماید.

بعد هم از **علم اشیا** سخن می زند و یاد آور می شود که خدا پس از خلقت آدم "نامهای هر چیز های کائنات را به او  
آموخت."

به این گونه خلقت با علم اشیا آغاز گردید. این علم شامل همه علوم مانند، "حکمیة، طبیعیه، ریاضیه و کیمیویه و غیره  
داخل آنست."

او این اثر را پیش از نشر از نظر مولوی «عبدالروف» خان که یکی از علمای معروف بود، گزرانده است. مولوی یاد  
شده توضیح هایی بر آن نوشته و «محمود طرزی» زیر عنوان «ذیل»، سرپای نامه را به دست نشر سپرده است.

در پایان این اثر می خوانیم " بسعی و اهتمام الحاج عبدالخالق پسر طرزی مهتمم چهپاخانه دارالسلطنه کابل حلیه طبع در  
بر کرده است.

این اثر دارای 64 ص. بوده و به اندازه 16 س.م. می باشد.

سال نشر : (1290/1330/1912).

## 17- آیا چه باید کرد؟

ویژه گی ها :

آیا چه باید کرد؟

هدیه س.ا.ا.

کتاب سوم

تالیف

مدیر و سر محرر س.ا.ا.

محمود طرزی

در مطبعه دارالسلطنه کابل بسعی و اهتمام مهتم مطبعه الحاج عبدالخالق پسر طرزی مرحوم بزور طبع آراسته گردید

سنه

1330

«المقدمه» با حمد و ثنای خدا شروع و با درود بر محمد ادامه یافته آل واصحاب، ائمه و مجتهدین و علما و مشایخ را ستایش نموده و با «تعظیم ملت»، پایان می یابد.

او بر این باور است که هرگاه خدا بخواهد، "یک ملکی را آباد بسازد و یکمالتی را بخیر ها و سعادتها رهنمایی کند... سبب الاسبابی را بکار انداخته بسی سببها برای آن فراهم می آورد."

او یکی از این سبب هارا "بادشاه خوب" می داند و آن را "علی الخصوص ملک و ملت اسلام، زیرا مسلمانی وجود بادشاه را لازم میدارد، و به اطاعت آن خود را مکلف و مامور می شناسد. حکومتهای جمهوری در اسلام هیچ دیده و شنیده نشده است. اگر چه شورا و جمهور انعقاد شده باشد ولی برای انتخاب خلیفه و امیر شده است نه برای تاسیس حکومت جمهوری...". سبب دیگر را "شوق و ذوق عمومی جوانان وطن بسوی خواندن و نوشتن و تحصیل هنر وری" می داند. او این اثر را برای "هیئت اجتماعی اسلامیه" مفید می داند.

به باور خودش این یک اثر عبارت از یک استقهام و استفساریست که بنا بر یک حس اندیشه و سودا و یک خوف و بیم دهشت نما از فکر فاتر و عقل قاصر خود می پرسم" و بعد از "زبان همان فکر و عقل بترجمانی کوشش می ورزم."

او به گونه گونی فکر تاکید می ورزد و می گوید، "چون افکار بقدر الوان مختلف و متفاوت میباشند، از آن سبب هر کس که یک فکر و تصویری کند بر عین حقیقت بودن آن فکر حکم کرده نمیشود."

در فصل اول زیر عنوان "چه بودیم چه شدیم؟ بر این امر تاکید می ورزد که پیش از "طلوع آفتاب عالمتاب دین مبین محمدی هرچه بودیم بودیم!" مورد گفتگو نیست. اما، "هنوز یک عصر نگذشته بود که ما یک دولت پُر قوت" شدیم.

سپس از شکوه این دور سخن می راند و بعد "هزار افسوس" می خورد که "این حال بسیار دوام ننمود: بلای تفرقه و اختلاف در امت بکمال دهشت ظهور نمود."

بعد از فرقه های مذهبی گونه گونه و به میان آمدن "طوائف الملوکى عمومی" سخن زده و بر این امر تاکید می ورزد که این کار درحالی جریان داشت که اروپا به سوی تمدن نو گام برمی داشت. نکته مهم گسترش دانش عملی در این سرزمین و ایجاد صنایع و اختراع ها می باشد. در حالی که در مملکت های اسلامی "تنها به تطبیقات نظری و آن نظریات به تطبیقات معنوی و روحانی صرف و استعمال شد."

او یاد آور می شود، "در فرنگستان... همه علوم و فنون را بعملیات انداخت هزار ها گونه ترقی برای آن دادند و بسی فواید و منافع از آن برویکار انداختند."

او در برابر پرسش چه باید کرد؟ بر نکته هایی چون: درک همه جانبه قرآن، اتحاد، استفاده از علوم و صنایع و بر قدرت "عسکری"، تاکید می ورزد.

در پایان از دیگر قلم به دستان، "صاحبان افکار عالیه و دانشمندان" می خواهد تا در این بحث وارد شده و نظریه های خویش را ارایه بدارند.

این اثر دارای 160 ص. و اندازه: 16 س.م. می باشد.

تاریخ نشر: سنه (1291/1330/1912)

## 18- سیاحت بر دوردور کره زمین به هشتاد روز

«محمود طرزی» این رمان علمی - خیالی، «ژول ورن»، نویسنده معروف فرانسه یی را که «احمد احسان» آن ها را از فرانسه یی به ترکی بر گردانده است، به پارسی ترجمه نموده است. این اثر، دارای (276) ص. می باشد.

این کتاب بر کاغذ رنگی به چاپ رسیده است.

سال نشر: (1291/1331/1912).



## 19- سیاحت در جو هوا

ویژه گی ها :

کتابخانه

مطبعة عنایت

عدد (4)

سیاحت در جو هوا

مولفش بزبان فرانسوی

«ژول ورن»

مترجمش بزبان ترکی

«احمد احسان»

مترجمش بزبان فارسی

محمود طرزی

در دارالسلطنة کابل در مطبعة عنایت بزبور طبع آراسته گردید

سنه 1331

«عنایت الله»، معین السلطنة، در زیر عنوان، "یکدو سخن در باب طبع کتاب" چنین می نویسد، "مردمان ملک ما چون هنوز بخواندن آثار ادبیه وقتۀ طرز نو عادت نگرفته اند و چشمها و ذهنهای شان با همان اثر های طرز قدیم آموخته گی دارد از آنسبب یکدو کتابی که تا بحال در مطبعة عنایت چاپ شده و شیوه تحریر و تالیف آن بیک اصول نو و اسلوب این عصر و زمان ترقی پرتو میباشد برخلاف امیدواریی که داشتیم مظهر رغبت عمومی نگردیده کتاب های افسانه که در مملکت ما خوانده می شود مانند ورقه و گلشاه، چارپری، چاردرویش و امثال آن بدرجۀ لایعنی ومضر اخلاق است که حد و نهایت ندارد."

در این بخش در مورد داستان ها و ناول های علمی - فنی روشنی انداخته می شود.

آن گونه که روشن است این اثر اندیشه ها و ایده هایی را برای پرواز به آسمان به وسیله طیاره و یا هواپیما، بیان می دارد. این اثر دارای (219) صفحه بوده و به اندازه (19) س.م. می باشد. در چاپخانه «عنایت» در «کابل» به دست نشر سپرده شده است.

سال نشر : (1291/1331/1912).

## 20- ادب در فن

ویژه گی ها :

ادبدرفن

به نام دیگر

«محمود نامه»

دیوانچه غزلیات

محمود طرزی

بترتیب ردیف

(الفبا)

مطبع عنایت

درمطبعة دارالسلطنة کابل

بزبور طبع آراسته گردید

سنه 1331

این اثر که به تر بود عنوانش "فن (این واژه به معنای حال و گونه، غم و شاخ درخت به کار می رفته است. هم چنان در موسیقی نغمه معنا دارد و از سوی دیگر روش و راه را در بر می گیرد. درگذشته بیش تر به معنای صنعت و هنر به کار می رفته است. حالا بار معنایش بیش تر تکنیک و تکنولوژی است که با صنعت همراه گردیده است. ط.) در ادب" می بود. زیرا مساله های صنعتی و فنی را به شعر آورده است. منظور از آن، بیان خصوصیت های صنعت و فن در قالب ادب و یا شعر می باشد.

آن گونه که از توضیح خود «محمود طرزی» بر می آید، در برابر «پنج کتاب» به ویژه بخش اول آن که «کریم» نام دارد، سروده شده است. به باور «محمود طرزی»، این «پنج کتاب»، "تنها برای اطفال پنج ده ساله نی، بلکه برای مردان چهل ساله بیشتر مفید و زیاده تر نافع شمرده میشود."

«طرزی»، این اثر را به تاسی از یکی از این کتاب های «پنج کتاب» که «محمود نامه» و یا «محمود ایاز» نام دارد، «محمود نامه» نیز خوانده است.

اویاد آورمی شود که «محمود نامه» مربوط به پنج کتاب «از می و پیاله، از گل و لاله، از باده " سخن می زند و این «محمود نامه»، از "کلمات غلیظ و ثقیل توپ، تفنگ، زغال سنگ، الکتریک،... سخن می زند." او برای توجیه این اثر چنین می گوید، "چه باید کرد؟ عصر عصر فن، زمان زمان کار و ترقیست." بعد غزل ها از ردیف الف شروع و به یا ختم می شود. او با این تک بیت آن را پایان میدهد:

"«محمود» ز اخلاص دعا گوید و خواهد

عالی شود این ملک هوا خواه ترقی"

این اثر، در سال دوم «س.ا.» به مثابه همراه با آن نشریه چاپ شده است. دارای (45) ص. و اندازه (18) س.م. می باشد.

سال نشر : (1291/1331/1913).

## 21- رساله نقطه گذاری

خود این اثر وجود ندارد. اما، «صالح پرونتا» آن را دیده است. بخشی از آن در برابرپرسش یکی از خواننده گان «سراج الاخبار»، به دست نشر سپرده شده است.

سال نشر : (1292/1332/1913).

## 22- توحید خالق یگانه به زبان موالید ثلاثه

ویژه گی ها :

هدیه سال سوم س.ا.ا.

توحید خالق یگانه بزبان موالید ثلاثه

جلال آباد 1329

در مطبعه دارلسلطنه کابل طبع گردید

1332

در این رساله **توحید** و یگانگی خدا از زبان **نباتات** آغاز می گردد. او در بخشی به این امر می پردازد که هر ذره و حتا کوچک تر از آن، آینه تجلیش می باشد.

بعد به گفته خودش به **جمادات** می پردازد و از آن میان به **زغال سنگ** و اهمیت این موجود سیاه تاکید می ورزد. بعد به **حیوانات** یا زنده جانان به ویژه **دامان** انگشت گذارده و از تخم بحث می راند که چگونه از درون هاهک سپید، جان بیرون می شود. به این گونه خلقت به وجود می آید. بعد به نر و ماده پرداخته این جذب را سنگ بنیاد حیات یا به زبان دیگر عشق می خواند. سپس به "احوال انسان" می پردازد و بر فرمانروایی انسان بر دیگر موجودات انگشت می گذارد و بر نقش اجتماعی انسان تاکید می ورزد.

در پایان، **حکایت بر سبیل تمثیل** را که در آن انسان با نیروی عقل و خرد خویش دامان را به دام و قفس می اندازد، می آورد.

این رساله همراه با سال سوم «س.ا.» که دارای (37) ص. به اندازه (14) س.م. می باشد، نشر شده است.

سال نشر (1293/1332/1914)

## 23- بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر بحر

این کتاب یکی از رمان های علمی - خیالی، «ژول ورن»، نویسنده معروف فرانسه می است. «احمد احسان» آن را از فرانسه می به ترکی ترجمه نموده است. این اثر، دارای (362) ص. بوده و در چاپخانه «عنایت» نشر شده است.

سال نشر : (1293/1333/1914).

## 24- جزیره پنهان

ویژه گی ها :

کتابخانه

مطبع عنایت

عدد (7)

کتاب اول «فضا زده گان بالون»

دردارلسلطنه کابل در مطبعه عنایت آراسته گردید

نویسنده

«ژول ورن» فرانسوی  
مترجمش به ترکی  
«احمد احسان»  
مدیر جریده مصور «ثروت فنون»  
مترجمش به فارسی  
محمود طرزی

این کتاب با اثر دیگری به نام «بیست هزار فرسخ در زیر بحر»  
لازم و ملزوم است زیرا احوال کپیتان «نمو»، کشتیبان «نوتیلوس» را بیان می دارد

به گفته «محمود طرزی»، «این رومان - یعنی ناول - ... حال ابتدایی بشریت را تصویری کند. " در این اثر، درمی یابیم که  
"بجز عقل و ذکا، و علم و فن... سعی و کوشش و یگانگی" چیزی دیگری برای نجات این «قضا زده گان بالون» یاری نمی  
رساند.

این کتاب، دارای (480) ص. و اندازه بیست و سه س. م. می باشد.

این اثر دارای نقشه پی نیز می باشد.

سال نشر : (1293/1332/1914).

## 25- مختصر جغرافیای عمومی

ویژه گی ها :

هدیه  
س.ا.ا.  
سال (4) شماره (24)  
مختصر جغرافیای عمومی  
تالیف  
محمود طرزی

از درسهائیکه در سال اول تشکیل مکتب فیض مکتب حریبه سراجیه برایشاگردان سنه اول و دوم تقریر نموده ام تحریر  
و ترتیب یافته است  
در مطبعه تیوگرافی دارالسلطنه کابل بزبور طبع آراسته گردید.  
سنه 1333

زیر نام " یکدو کلمه عرض" پس از حمد و نعت و مدح شاه چنین آمده است، "وطن وملت خود را از شر دشمنانش  
محفوظ میخوامم."

او در "درس روز اول" به شاگردان مکتب «حریبه سراجیه» یاد آورمی شود که چون گشایش اینگونه مکتب، "یک  
اختراع و ایجاد نوی شمرده میشود : بایست قدر این نعمت را بشناسند."  
این درس ها که در مورد "احوال زمین" می باشد با "سوالهای امتحان" همراه می گردد.

او، این اثر را به گفته خودش "از آنجایی که درین مکتب «حریبه سراجیه» براساس مکتبهای هندی تدریس می شد آن را از  
نظر «عبدالهادی» خان و «عبدالرحمان» خان که از تحصیل یافته گان مکتب «حریبه» بودند و به حیث محرران «سراج  
الخبار افغانیه» کار می کرده اند" گزارنیده شده است.

این کتاب دارای نقشه هایی می باشد. کار نقشه کشی را "میرزا محمد جعفر خان قندهاری" که کار سرپرستی س.ا.ا. را در  
مطبعه به دوش داشت" انجام داده است.

این اثر دارای (72) ص. بوده و اندازه اش (22) س. م. می باشد.

سال نشر : (1294/1333/1915).

## 26- مکمل و مفصل جغرافیای عمومی

آن گونه که «محمود طرزی» وعده داده بوده است، اثر دیگری به نام «مکمل و مفصل جغرافیای عمومی»، را نیز برای  
شاگردان مکتب «حریبه سراجیه» نگاشته است.

در مورد ویژه گی های این اثر تا کنون آگاهی های لازم به دست نیامده است.

سال نشر : (1294/1333/1915).

## 27- معلم حکمت

ویژه گی ها :

هدیه  
س.ا.ا.  
سال پنجم شماره بیست و چار  
اثر  
محمود طرزی  
در مطبعه حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید  
1334

در صفحه بعدی زیر عنوان "افاده مرام" بیان شده است که انسان به علم و معرفت یعنی دانایی و شناسایی نیاز دارد. هم چنان یاد آوری می شود که وظیفه مقدس س.ا.ا.را، "شناسایی و دانایی حکمت" می داند. این اثر، گفتگو میان يك استاد یا معلم حکمت و شاگرد هوسکار که خواهان معرفت و دانش است را در بر دارد. استاد در «پاریس» درس حکمت (فلسفه) خوانده است. او با شاگردی به گردش می رود و در باره آسمان، زمین، هوا، رطوبت، بخار، شبنم، ابر، باد، باران و آب و اهمیت علم کیمیا... سخن رانده و شاگرد را در جریان این مساله ها، قرار می دهد. این اثر دارای (104) ص. بوده به اندازه (14) س.م. می باشد.  
سال نشر: (1295/1334/1916)

## 28- رساله رموزات تحریر عبارات

این اثر را «محمود طرزی» و «محمد سرور» که دارای (20) ص. می باشد، با یاری همدیگر به دست نشر سپرده اند. ویژه گی های این اثر تا کنون نا روشن است.  
سال نشر: (1296/1336/1917).

## 29- تاریخ محاربه روس و ژاپان

ویژه گی ها :

کتابخانه  
مطبع عنایت  
عدد (11)  
تاریخ محاربه روس و ژاپان (05- 1904)  
مترجمش به زبان فارسی  
محمود طرزی

این کتاب غیر از اینکه وقوعات حربیه را که از آغاز اعلان حرب تا بوقت امضا شدن معاهده صلح با تفصیلات تمام جامع میباشد احوال جغرافیه و تاریخیه و ایستاتسیکیه و سیاسیه هردو دولت محارب را نیز با تمام تفصیلاتش بیان میکند در دارالسلطنه کابل در مطبعه مبارکه عنایت بزور طبع آراسته گردید

سنه

1334

این کتاب دارای پنج جلد می باشد. «عثمان ثنایی و علی فواد» دو افسر عالیرتبه ترکی آن ها را نوشته اند. آن گاهی که امیر «حبیب الله» سفری در سال (1285/1325/1907) به مزار شریف داشت، به او پیشکش گردید. «محمود طرزی»، در اثر خواهش امیر «حبیب الله»، سه جلد دیگر را از «استامبول»، خواست و آن ها را در مدت یکسال به زبان پارسی بر گرداند. این اثر در سال (1288/1328/1910)، پیش از نشر «سراج الاخبار» در «دارالترجمه ترکی» صورت گرفت. این اثر، با شیوه خوشنویسی «نستعلیق» به خط «محمود طرزی»، نوشته شده است. آن گاهی که «مطبعه عنایت»، در سال (1296/1336/1917) بر آن شد تا آن را چاپ نماید، چون اصل ترجمه به گفته خودش «ضایع» شده بود، او مجبور گردید تا سه سال دیگر را وقف بر گرداندن دوباره این اثر نموده و هر پنج جلد آن را به دست نشر بسپارد.

جلد اول دارای (296) ص. و در سال (1295/1335/1916) به پارسی بر گردانده شده است.  
جلد دوم دارای (260) ص. و در سال (1295/1335/1916) به پارسی بر گردانده شده است.  
جلد سوم دارای (304) ص. و در سال (1296/1336/1917) به پارسی بر گردانده شده است.  
جلد چارم دارای (314) ص. و در سال (1297/1337/1918) به پارسی بر گردانده شده است.

جلد پنجم دارای (308) ص. و در سال (1297/1337) به پارسی بر گردانده شده است.  
سال ترجمه اول : (1288 /1328 /1910)  
سال چاپ و نشر : (1916 تا 1918)

### 30- وطن و معانی متنوعه حکمیه آن

ویژه گی ها :

هدیه  
س.ا.ا.  
سال (6) شماره (24)  
وطن  
ومعانی متنوعه و محاکمات حکیمه آن  
اثر  
محمود طرزی  
درمطبعه حروفی دارالسلطنه کابل طبع گردید  
سنه 1335

یکدو کلمه عرض

در "تمهید"  
«محمود طرزی» این پیشگفتار، مقدمه ویا تمهید را چنین آغاز می نماید :  
"عصر عصر ترقی ، زمان زمان تجدد و نوی است. اینعصر نو از تاریخ بکار آوردن قوت بخار و ایجاد قوه الکتریک  
آغاز کرده است."  
او در جای دیگر با شگفتی از به میان آمدن، "چه صنایع، چه اختراعات نو، چه آدمها، چه اخلاقها، چه اطوارهای نو، چه  
سخنان، چه کلمات نو" سخن می راند.  
سپس از کار برد واژه نو و "کلمه مقدسه وطن» حرف می زند.  
این رساله در سال ششم «س.ا.» همراه با آن نشریه چاپ شده است.  
این اثر دارای (98) ص. و اندازه (16) س.م. می باشد.  
سال چاپ : (1296/1335/1917).

### 31- سراج اطفال

پنج شماره اش زیر نظر «محمود طرزی» به چاپ رسیده است. بعد «عبدالهادی داوی» آن را ضمیمه «امان افغان» نشر  
نموده است. این اثر بار اول همراه با سال هفتم «س.ا.» نشر شده است.  
سال نشر : در سال (1297/1337/1918).

### 32- نامه «محمود طرزی» به «امان الله»

این نامه شخصی را، آن گاهی که «محمود طرزی» وزیر مختار در «پاریس» بود، به «امان الله» فرستاده است. این نامه،  
از لحاظ بیان دیدگاه «محمود طرزی» در آن مرحله حساس، پُراهمیت می باشد. این نامه، روز 2 دسمبر 1922، نوشته شده  
است. اصل نامه در کتابخانه «صالح پرونتا» وجود داشته است.  
زمان نوشته : (1301/1341/1922).

### 33- یاد داشت ها

دربخشی از کتابچه های «یادداشت» نوشته «محمود طرزی» خاطره هایی میان سال های (1919) تا (1928) درج اند.  
این اثرها، نزد «عبدالوهاب طرزی» پسرش، وجود داشته اند.  
سال ترتیب : (1928).

### 34- سیاحت نامه استامبول

این اثر کوچک، دارای (38) ص. می باشد. او به همراهی «عبدالرحمان پشاورى» از جزیره های دورا دور «استامبول»  
دیدن نموده و خاطره های خویش را بیان می دارد. این رساله، در کتابخانه «عبدالوهاب طرزی» وجود داشته است.  
تاریخ : 25 می 1932.

### 35- پراگنده

کتابخانه  
مطبع عنایت  
عدد(8)  
پراکنده  
مجموعه اشعار  
محمود طرزی

درحال ها و تاریخ های مختلف نظم و انشاد گردیده و در دارلسلطنه کابل جمع و تدوین شدند، و در مطبعه مبارکه عنایت  
بزبور طبع آراسته گردیده  
فی غره رجب المرجب  
سنه  
1333

این اثر، دربرگیرنده شعرهای «محمود طرزی» که از سال (1275/1314/1896) تا زمان چاپ یعنی سال (1294/1334/1915)، سروده شده است، می گردد.  
در این اثر، ترجیع بندی از شعر «ضیا» پاشا که از شاعران و ادبای عثمانی است، در سال (1276/1315/1897) در «دمشق» از شعر به شعر ترجمه شده است.  
بعد شعر هایی به گفته خودش "پراکنده از اراده طبع نیز توام سر زده است. از آنجمله منظومه سیاحت نامه  
یی است که درسنه (1279/1318/1900) بعد از رحلت قبله گاه دل آگاه مرحوم از شام بسوی درسعاده  
(استامبول) وقوع یافته است. این سیاحت نامه منظوم تقریباً پنجصد بیت است که به نام «سفر بعد از وفات  
پدر» موسوم شده است".  
او برای چاپ و نشر این اثر در «استانبول» تلاش نمود اما موفق نشد.  
در جریان بازگشت به وطن آن را به «محبوب عالم» دیر نشریه «پبسه» در «لاهور» سپرد.  
آن گاهی که از دریافت این اثر نا امید شد سپس به گفته خودش "دیگر نسخه از آن باقی نمانده از مقدمه  
سیاحت نامه مذکور این چند فرد آتی را که بخاطر مانده بود ثبت دفتر یادگار نمودم."  
این اثر، نیز در چاپخانه «عنایت» به دست نشر رسیده است. دراین اثر، (37) شعر، شامل مساله های گونه  
گونه چون: «الهامه»، «عشق وطن»، «هیئت اجتماعیه» و دیگر و دیگر یا به گفته خودش، "آخر ترین  
شعری که گفته ام، و بعد از آن از شعر گویی دم فرو بسته ام. همین فرد نیلست :

فرد  
شمعیم که جامد شده شعله و داغیم  
سردیم چو کافور، ولی درد سراغیم

ده افغانان، دارالسلطنه کابل: سنه (1293/1333/1914)

انتهای  
تمام شد  
محمود طرزی

این اثر دارای (74) ص.می باشد.  
سال چاپ : (1293/1333/1914).

### 36- شعر های بدون عنوان

آقای «روان فرهادی»، در بخشی از کتاب «مقالات محمود طرزی»، چنین می نگارد، " در کتابخانه «عبدالوهاب محمود  
طرزی»، فرزندش، نسخه خطی اشعار والد بزرگوار خویش را که بخط آن مرحوم است نیز محفوظ داشته اند. این اشعار  
شامل دو قسمت است :  
1- اشعار بدون عنوان از عهد «امانیه»، که چند صفحه محدود می باشد و یکی (منظور همان به یکی است) تشکیل حکومت  
افغانستان مستقل را بیان میکند.  
2- دو رساله دیگر."  
او در این جا از رساله های «ژولیده» و «پژمرده»، سخن می زند.

### 37- «ژولیده»

ویژه گی ها :

ژولیده  
مجموعه اشعار  
محمود طرزی  
از اواخر سنه (1306/1346/1928) الی اواخر سنه (1310/1350/1932)  
همه اشعاری که قریحه بقلم ریخته  
جامعست.  
در استانبول (1311/1351/1933).

آن گونه که گفته شد آقای «روان فرهادی»، از دو مجموعه به نام های «ژولیده» و «پژمرده» نام می برد. اولی را چنان که خود می نویسد، "حاوی اشعار محمود طرزی (1306/1346/1928) تا اخیر سال (1310/1350/1932) که در آن :

1 - جنگ داخلی کابل. 2 - احوال کندهار و هرات. 3 - اشعاری که در هنگام غربت و پناهگزینی در «ایران»، سروده است. 4 - اشعاری که در ترکیه سروده است".  
جالب است که «امین طرزی» در مقاله اش به نام «محمود طرزی در غربت» که در «روشنی»، فصلنامه «کانون روشنگران افغانستان»، شماره دهم بهار (1379/2000) نوشته است، «ژولیده و پژمرده» را زیر یک عنوان آورده است.  
اما، از تصویری که از پشتی این اثر در میدان اندیشه یی «محمود طرزی» مربوط به «بنیاد فرهنگی محمود طرزی»، گنجانیده شده و در بالا از آن یادی به عمل آمد، تنها عنوان «ژولیده» درج است و بس.  
این اثر دارای (288) ص.می باشد.  
سال نشر : (1311/1351/1933)

### 38- پژمرده

این مجموعه در «استامبول» در سال های (1310/1350/1932) و (1311/1351/1933) به دست نشر سپرده شده است.

**یاد داشت :** در این مورد داستان جالبی وجود دارد که به ذکرش می پردازم :  
آن گونه که آگاهی دارید، پیش از زمان فرمانروایی «مصطفی کمال»، که او را «اتاترک» یا «پدر ترک» نامیده اند، زبان ترکی را مانند پارسی و پشتو و دیگر و دیگر... به رسم خط گویا عربی - در این باره حرف های زیادی وجود دارد و در این تنگنا مجال پرداختن به آن نیست ط - می نوشتند. او این رسم خط را به الفبای لاتین بدل نمود. به این گونه نشر و چاپ با خط قدیمی قدغن گردید.  
«محمود طرزی»، برای نشر نوشته هایش با درد سر بزرگی رو به رو گردید. بعد ها دوست قدیمی که با مساله چاپ و نشر آشنایی داشت، به مددش رسید. او مجموعه شعری «ژولیده» را به صورت مخفی با الفبای قدیم چاپ نمود.  
«محمود طرزی»، خود از «ژولیده» و «پژمرده» به صورت جداگانه نام برده است.  
سال نشر : (1311/1351/1933).

### 39- دیدنی ها و شنیدنی ها

این را - اگر مرگ امانش می داد و به پایانش می برد - می توانستیم «خود زنده گینامه» بخوانیم.  
آقای «روان فرهادی»، که این اثر را دیده است و به گفته خودش، "نقل کتاب توسط مدون این کتاب (مقالات محمود طرزی در س.ا.) برای چاپ آماده است." بایست نسخه یی از آن نزدش باشد. اما، من تا جایی که می دانم این اثر تا کنون چاپ نشده است.

او در آغاز این اثر تک بیتیی را چنین می آورد:

**نو شتم شعر بسیاری دو سه سال**

**نظم آمد بسوی نثر امسال**

بعد چنین می نویسد، " پس از انجام یافتن «ژولیده» و «پژمرده» خواستم به نام «دیدنی ها و شنیدنی ها»، خاطرات دیدنی و شنیدنی خود را بقدر ممکن به نثر در قید تحریر بیارم، تا به یاد گار يك اثر تاریخی بماند." این یاد داشت در ماه اگست (1933) در «استامبول»، واقع در «ترکیه» نگاشته شده است.

حادثه ها در این اثر، از زمان امیر «شیر علی» آغاز و تا «مواصلت به سرحد» او و خانواده اش را هنگام تبعید با پدرش، در بر می گیرد. او، در آخرین سطر های این اثر می نویسد، "...قافله ما برهنمایی تحصیلدار و دونفر کاتبش، بعضی تپه ها و وادی ها و ذروه ها را مرور نموده، در يك میدان فراخ و سیزی رسید...یکچند سواران خیمه ها به استقبال قافله ما اسپ تاخته آمده، قافله را به توقف امر دادند.. «

این اثر، در آخرین هفته های زنده گی «محمود طرزی» نوشته شده است. در این نوشته، در همین جا، با مرگ اش نقطه پایان گذارده می شود.

نسخه خطی آن نزد «عبدالوهاب طرزی»، پسرش وجود داشته است. این اثر، بعد ها به وسیله «وحیدالله طرزی» داماد «عبدالوهاب طرزی»، و نواسه برادرش، به زبان انگلیسی زیر عنوان «خاطره ها : تاریخ کوتاهی از یک دوران (1869-1881) ترجمه و به گردهم آییی به نام «جایگاه تبادل نظر افغانستان The Afghanistan Forum» ، نیویارک، ا.م.ا، در ماه مارچ (1998)، با شماره «36»، تقدیم و نشر گردید. من نمی دانم که این ترجمه عنوان درست است و یا آن چی را «روان فرهادی»، آورده است. من تلاش نمودم تا نسخه یی از اصل اثر به دست بیاورم، اما تا کنون موفق نشده ام. من به این باورم که این عنوان به دلیل این که «محمود طرزی»، سر آن نداشت تا تاریخ بنویسد، نادرست است و همان «دیدنی ها و شنیدنی ها» به نظر درست تر می آید. سال نوشتن : (1311/1351/1933).

چشمه ها :

1. « فرهادی»، عبدالغفور روان. " مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار افغانیه" (97- 1290 ش.). موسسه انتشارات بیهقی، حوت (1355/1976).
2. " کتاب خانه شماره یی افغانستان". کتابخانه های دانشگاه نیویارک، ا.م.ا.
3. Tarzi, Wahidollah. "Reminiscences: A Short History of An Era (1869-1881)" Translated edited and presented it to Afghanistan Forum, as an Occasional Paper no. 36 New York, March 1998.

پایان